

مردم اجرای درخشان می خواهند



۷

نگاهی به رفتار سیاسی در تاریخ
جشنواره فیلم کن

تسلیم کارگردانان مؤلف در مقابل سیاست بازی

۹

هم نشینی با موسی عصمتی که نمی بیند
اما شعرهایش پر از تصویر است

شاعری «بی چشمداشت»



۱۰

بررسی سازوکار انتخاب اسامی
برنامه‌ها در گفت وگو با
یک تهیه‌کننده تلویزیونی

بگو نامت چیست؛ تا بگویم کیستی!



۶

کامران سیف‌اللهی، تهیه‌کننده برنامه
«میشه که پشه»

به مخاطبان امیدواهی نمی دهیم

کامران سیف‌اللهی، تهیه‌کننده تاکید می‌کند: در فصل دوم میشه که بشه ضمن حفظ فرم فصل اول یعنی توجه به تجربه‌گرایی، در تولید محتوا از حضور کسانی بهره‌برده‌ایم که می‌توانند تماد اثبات امکان‌پذیری مهاجرت معکوس باشند. با تاکید براین‌که نمی‌خواهیم رویاپرداز باشیم و به سمت حرف بی‌منطق زدن برویم و برای جوانان‌مان امیدواهی ایجاد کنیم.

۸

بازار

یادداشت

در هر حیطه‌ای باید بهترین بود

مسعود فروتن
محرر

این‌که هنرمندی در حیطه‌ای به بالاترین سطوح ممکن برسد و بعد تلاش کند حیطه هنری دیگری را تجربه کند، ابتدا امری مذموم

نیست و لابد دیده‌ایم شاعرانی را که بعد از سال‌ها کار ادبی به بازیگری روی آورده‌اند یا فیلمسازی که بعد از یافتن شهرت، به سمت شعر و شاعری یا مثلاً نقاشی رفته‌اند. این‌که یک هنرمند بخواهد صرفاً زمینه‌های مختلف هنری را تجربه کند و بدون این‌که در زمینه‌ای رشد کند ناگهان به سمتی دیگر برود، ابتدا مطلوب نیست چون باعث اتلاف انرژی و وقت می‌شود. این‌که فردی هنوز بازیگری را کامل درک نکرده، می‌رود خواننده می‌شود و بعد اجرا می‌کند و بعد نمایشگاه عکس به راه می‌اندازد و در هیچ‌کدام نیز پیشرو نیست، معلوم است که نه خودش می‌تواند ردپای هنری خاصی داشته باشد نه مخاطبان او را به خاطر خواهند سپرد.

خودم پس از مدت‌ها کارگردانی به این نتیجه رسیدم که دیگر کارگردانی برایم مجال تجربه جدید ندارد و این شد که به سمت اجرا رفتم و تلاش کردم در کار اجرایی طوری عمل کنم که مخاطب متوجه تجربه جدید شود و با من به عنوان مجری ارتباط گیرد. در این خلال کار بازیگری هم انجام دادم و نقش‌های متفاوتی نیز ایفا کردم و باز سعی‌ام این بود که کاراکتری خلق شود که گوشه ذهن مخاطب بماند یعنی در گذر از حیطه‌های مختلف هم ارتقای سطح کیفی یا لاقط حفظ استانداردهای لازم، برایم اهمیت داشته.

تجربه‌گرایی در ابتدای کار هنری، بد نیست چون به هر حال باید آدمی استعداد‌های خودش را بشناسد ولی پس از شناخت استعداد، باید یکی از زمینه‌ها را گرفت و بر آن تمرکز کرد و کار را ادامه داد و هم آموزش دید و هم تجربه کرد تا به کیفیت لازم در کار رسید.

این‌که هنوز کارگردان استاندارد ندیده ایم، بخواهیم نویسنده هم باشیم و بازی هم بکنیم و تدوین هم انجام دهیم و گاهی کار طراحی صحنه و لباس را نیز برعهده بگیریم، از ما یک هنرمند مؤلف نمی‌سازد. هنرمند مؤلف اوست که بتواند در همان کارگردانی بالاترین کیفیت را ارائه داده و بعدش به این سمت برود که بازیگری را تجربه کند. البته اگر واقعاً به آن علاقه دارد - و البته این تجربیات شاید به کارگردانی هم کمک کند از جهت برخورد با بازیگر و بازیگردانی.

پس این‌که بازیگری به سمت اجرا برود یا برعکس، نقشه امری ناپسند نیست ولی باید ابتدا یک حیطه را به تکامل رساند و سپس به سمت حیطه دیگری رفت تا خروجی کارمان در سطح بماند.

«جام‌جم» بررسی می‌کند چرا بازار مجازی روان‌شناس‌نماها هنوز گرم است؟

جذاب‌های قلابی

هنوز موضوع انتشار دو فهرست از اسامی روان‌شناس‌نماها از تب‌وتاب نیفتاده و همچنان حرف و حدیث‌های زیادی در مورد این ۲۳۴ نفر و صفحات مجازی‌شان وجود دارد اما درحالی‌که به نظر می‌رسید بساط این افراد در شبکه‌های اجتماعی لابد جمع شده‌است اما آنها هنوز در فضای مجازی فعالند و مخاطبان میلیونی دارند.



۱۲

دکتر محمدرضا سنگری در اهمیت برنامه‌های عاشورایی گفت:

روژه‌های مستند بخوانید

۱۱



روزنما

وارونگی؛ قضاوت علیه عدالت

جنایت‌هایی که فقط از فرقه رجوی برمی‌آید

بخش هشتم

وقتی اجساد را از زیر خاک درآوردند و از حالت فشرده پیچیده در نایلون خارج کردند با صحنه تکان‌دهنده و تأثرآوری مواجه شدند؛ چهره‌ها دفرمه و جسم‌های سوخته در حالی‌که پوست صورت و بدن‌هاشان کدده و ورقه شده و دهان و دندان‌هاشان خرد شده، برخی چشم‌ها از حلقه درآمده و...

به‌زودی هویت افراد روشن شد؛ طالب‌زاده ۱۶ ساله محصل، محسن میرجلیلی ۲۵ ساله پاسدار و عباس عفت‌روش کفاش.

آن‌ها طی ۱۷ تا ۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۱ شک‌نیزوهای ویژه سازمان را که محافظ خانه‌های تیمی مرکزیت بودند، برانگیختند، شک کردند که خانه‌ها را تحت‌نظر دارند و صرفاً براساس همین وهم، آنان را ربوده و وحشیانه به‌طور مهیبی شکنجه دادند و بعد که معلوم شد اتهام‌هایی‌مورد بوده و هر سه نفر که دو نفر طبق گزارش پزشکی قانونی هنوز زنده بودند، در کیسه نایلونی فشرده و در گور کردند. ب؛ پیکر سه‌فرد ربوده شده دیگر که به سبب شک بی‌دلیل و وهم بزدلانه و خشن ربوده و تحت‌مهیب‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند، در تپه‌های عباس‌آباد و نقاط دیگر در همان مرداد ماه با اجساد لت و پار شده، کشف شد. قربانیان مظلوم جنایت منافقین شاه‌رخ طهماسبی، پاسدار کمیته انقلاب و یک معلم به‌نام خسرو ریاحی و یک مهندس به‌نام حبیب روستا بودند که باز با توهم زیر نظر داشتن خانه‌های تیمی‌کادری‌های بالای سازمان، تحت شکنجه‌های بدتر از شکنجه‌های قرون وسطایی قرار گرفتند و سپس وقتی مشخص شد این اتهام، خیالی‌واهی بوده به قتل رساندندشان و پیکر تکه‌تکه شده‌شان در خاک پنهان کردند.

ماشین گوبلزی منافقین

یک خانم آلمانی به‌نام لیونلوه، طی انتشار اعلامیه‌ای به ترورها و شکنجه گری هواداران و پاسداران انقلاب به دست منافقین اعتراض کرد و نوشت: «در آگوست ۱۹۸۲، عده زیادی به دست عناصری که خود را مجاهدین خلق می‌نامند، کشته شدند. ما قاتلان سه پاسدار می‌گوییم ما آنان را هر روز شکنجه می‌کردیم. ناخن‌های آنها را کشیدیم، اتوی داغ روی سر و گردن و دست‌های آنها گذاشتیم. دست‌های‌شان را در آب‌جوش فرو بردیم، با چاقوی موکت‌بری پوست آنها را کشیدیم، چشم‌های‌شان را از حلقه در آوردیم. دو نفر آنها را که هنوز زنده بودند، همان‌طور زنده دفن کردیم... آنها شهید شدند، فقط به دلیل این که حق خود می‌دانستند در راه انقلاب تلاش و فداکاری کنند و علیه ظلم و ستم

و آمریکایی‌ها که فطرت انسانی‌شان زنده بود، برانگیخت. ه؛ جنایت منافقین یک‌زیربنای کاملاً دهمند، نقشه‌مند، آگاهانه و مبتنی بر استراتژی فاشیستی داشت. احمد ربیعی از فرماندهان تیم‌های ویژه ترور فرقه رجوی می‌گوید: «ترور سازمان بر مبنای خط مرکزیت که گفته بود سرانگشتان رژیم را قطع کنید، در گشت‌زنی‌های خیابانی و بدون هرگونه شناسایی قبلی، هر فردی که مثل پاسدارها ریش داشت یا پوششی معروف به حزب‌اللهی یا کفش کتانی رویت می‌گردید را باید ترور می‌کردیم». با این شیوه از تروریسم کور جنایت‌بار که هیچ دادگاه و بیدادگاه نمی‌تواند برای آن توجیهی بترشد در سال ۶۱ عملیات مرسوم و مکرر منافقین بود و حد و حصری در توصیف سرشت فجیع این‌گونه جنایت که محصول شیروفرنی سازمان تروریستی و اوج بهیمیت و از دست دادن هر خصلت انسانی بود، نمی‌توان قائل شد. گزارش‌های حسین شیخ‌الحکما، از فرماندهان تیم‌های ویژه تروریستی به سازمان و محمدطوری و کیهان و جعفر مرتضی‌ناح پور و گزارش حمله به خانه هواداران انقلاب اسلامی بس قنفذ مانند و این زیاد و حمله‌وار و شمرگونه و جنون‌بار است.

بجنگند. جان این رهروان جهاد و فداکاری در راه انقلابشان از جانب کسانی که به‌غایت از انسانیت دور بودند از آنها گرفته شد. البته به‌رغم اعترافات اعضای دستگیر شده و اسناد غیر قابل انکار، مثل همیشه ماشین دروغویی گوبلزی منافقین راه افتاد تا انکار کند این رسوایی‌های ددمنشانه مکرر نقشه‌مند را برای ایجاد رعب از سوی خود رجوی، رهبران و سازمان‌شان. اینها اتفاق افتاد و با وقاحت بلاهت بار گفتند همه اینها کذب است و اصلاً این افراد جعلی و دروغگو هستند و عضو سازمان نیستند که اعتراض شدید اصدقی و زندی را برانگیخت و اسناد قطعی عضویت خود را ارائه کردند. اما اگر امروز هرکس سری به وب‌سایت رسمی این فرقه رسوای تروریستی بزند، می‌بیند که با اختصاص صفحات ویژه و جداگانه این هر دو نفر، اصدقی و زندی را با عنوان «مجاهد شهید» تجلیل کرده‌اند.